

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



توه قضائيه
دانشگاه علوم قضائيه خدمات اداري

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (M.A)

رشته‌ی حقوق عمومی

مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقهای معاصر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما

دکتر علی اکبر فرح زادی

استاد مشاور

دکتر سید علیرضا طباطبایی

دانشجو

محمد زارع بیدکی

شهریور ماه ۱۴۰۱

صفحه تصویب پایان نامه (تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع)

از جناب آقای دکتر علی اکبر فرح زادی معاون محترم آموزشی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری که بدون همراهی و مساعدت ایشان این پژوهش صورت نمی گرفت، تشکر ویژه دارم و برای ایشان عزت روز افزون و سلامتی را آرزو مندم.

از خانواده عزیزم به ویژه از همسر دلبندم که بسیار مرا در نگاشتن این پایان نامه کمک نمود

تشکر می نمایم و برای بقی آن ها، سلامتی و طول عمر را از درگاه باری تعالی خواستارم.

چکیده فارسی

مبانی اختیارات ولی فقیه یعنی اینکه فقیه بر اساس چه ادله و نظریاتی میتواند در جایگاه ولایت بنشیند و اختیارات او تا چه وسعت است. مبانی اختیارات ریشه در ادله ولایت فقیه، نظریه انتصاب، انتخاب و تلفیق آن دو نظریه دارد. اگر مبانی، دلالت بر ولایت مطلقه فقیه کند، این ولایت در تمامی امور سیاسی امتداد یافته و فقیه در رأس نظام سیاسی قرار میگیرد. اگر مبانی، دلالت به این وسعت نداشته باشد، فقیه حق قرار گرفتن در این جایگاه را ندارد. به عبارت دیگر، این مسئله، یکی از مهم ترین مباحثی است که باید در حقوق اساسی مورد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی به این نتایج دست یافت که از فقهای معاصر، فقیهانی مانند امام خمینی و آیت الله بروجردی، معتقدند فقیه از جانب معصوم نصب گشته است و تمامی اختیارات او را دارا میباشد. در مقابل، نظریه انتخاب قرار دارد که بیان میدارد فقیه از جانب معصوم، منصوب نیست و این مردم هستند که او را انتخاب کرده، ولایت را به او تفویض و حدود اختیارات او را مشخص مینمایند. در مقابل این دو دیدگاه ولایت مطلقه، نظریه ای وجود دارد که، فقیه از ولایت مطلقه برخوردار نبوده و حق تشکیل حکومت و قرار گرفتن در رأس آن را ندارد. فقیهانی مانند آیت الله خویی معتقدند فقیه، حتی ولایت بر قضا نیز ندارد. در این میان، آیت الله سیستانی، هرچند ولایت فقیه بر قضا را پذیرفته و او را دارای ولایت بر فتوا، قضا و «امور عمومی در شرایط ضرورت» میدانند ولی ولایت مطلقه فقیه را مورد پذیرش قرار نمیدهند.

از جمع دو نظریه انتصاب و انتخاب، نظریه تلفیق به دست می آید. نظریه تلفیق خود دو نوع دارد. تلفیق نوع اول، مقبولیت مردمی را جزئی از شرایط ثبوت ولایت فقیه و نوع دوم، این مقبولیت را شرط اعمال ولایت میدانند. این پژوهش در صدد اثبات تلفیق نوع دوم است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت به ولایت مطلقه فقیه اشاره نموده است و اعمال قوای سه گانه را تحت این ولایت می داند. قانون اساسی، تلفیق نوع دوم را که خوانش امام خمینی از نظریه انتصاب است، مورد پذیرش قرار داده است.

کلیدواژه ها

ولایت مطلقه فقیه- مبانی اختیارات ولی فقیه - اصل یکصد و دهم قانون اساسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	مقدمه
	بخش نخست: مفاهیم و کلیات
۱۷	فصل نخست: مفاهیم
۱۷	مبحث نخست: ولایت
۱۷	گفتار نخست: ولایت در لغت
۱۸	گفتار دوم: ولایت در اصطلاح
۲۰	گفتار سوم: اقسام ولایت
۲۰	گفتار چهارم: اصل عدم ولایت
۲۲	مبحث دوم: منظور از فقیه جامع الشرایط چیست؟
۲۳	فصل دوم: کلیات
۲۳	مبحث نخست: حدود اختیارات ولی فقیه
۲۳	گفتار نخست: آراء حداقلی در ولایت فقیه
۲۵	گفتار دوم: آراء فقهی حد متوسط در ولایت فقیه
۲۵	گفتار سوم: آراء حداکثری در ولایت فقیه
۲۶	مبحث دوم: مبانی اختیارات ولی فقیه
۲۹	گفتار نخست: ادله اجتهادی در ولایت فقیه
۲۹	بند نخست: کتاب
۳۱	بند دوم: روایات
۳۵	بند سوم: دلیل عقلی
۳۶	بند چهارم: اجماع
۳۸	گفتار دوم: نظریه انتصاب و انتخاب و تلیف و تلفیق
۳۸	بند نخست: نظریه انتصاب

۳۹ بند دوم: نظریه انتخاب
۳۹ بند سوم: نظریه تلفیق
	بخش دوم: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقهای معاصر
۴۲ فصل نخست: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه آیت الله بروجردی
۴۳ مبحث اول: دلیل عقلی بر ولایت فقیه
۴۷ مبحث دوم: نقش تقریب مذاهب در استدلال بر ولایت فقیه
۵۰ مبحث سوم: دفع یک توهم
۵۳ فصل دوم: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه امام خمینی
۵۳ مبحث نخست: ملازمه حکومت اسلامی و ولایت فقیه
۵۴ مبحث دوم: فقیه جانشین پیامبر در همه ی عرصه های حکومتی
۵۶ مبحث سوم: فقیه، نائب حضرت ولی عصر (عج)
۵۶ مبحث چهارم: استدلال بر ولایت فقیه
۶۲ مبحث پنجم: سخنان نهایی
۶۶ مبحث ششم: نقش مردم در نظام ولایت فقیه
۷۳ فصل سوم: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه آیت الله منتظری
۷۳ مبحث نخست: ضرورت حکومت
۷۷ مبحث دوم: شرایط رهبر
۷۸ مبحث سوم: انتصاب و انتخاب در نظر آیت الله
۷۸ گفتار نخست: انتخاب در دوران جوانی آیت الله
۸۱ گفتار دوم: تعلیقات در «البدر الزاهر»
۸۵ گفتار سوم: تعلیقات در «محاضرات فی الاصول»
۹۰ گفتار چهارم: نظرات در مجلس خبرگان قانون اساسی
۹۹ گفتار پنجم: تقویت نظریه انتخاب
۱۱۳ گفتار ششم: دلایل نظریه انتخاب

گفتار هفتم: عقد بیعت	۱۱۵
مبحث چهارم : نظارت فقیه	۱۲۰
فصل چهارم: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه آیت الله خوئی	۱۲۷
مبحث نخست: ولایت فقیه در افتاء و قضا	۱۲۸
مبحث دوم: ولایت به معنای تصدی	۱۳۰
مبحث سوم: منصب قضا تنها از باب قدر متیقن	۱۳۱
مبحث چهارم: جهاد و مصلحت	۱۳۲
مبحث پنجم: آخرین فتاوی و صراط النجاة	۱۳۴
مبحث ششم : دو نکته پایانی	۱۳۶
فصل پنجم: مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه آیت الله سیستانی	۱۴۲
مبحث نخست: ولایت فقیه در فتوا و قضا و امور عمومی	۱۴۲
مبحث دوم: نفی ولایت عامه	۱۴۴
مبحث سوم: حق تصرف مردم در غیر منصوصات	۱۴۵
مبحث چهارم: اندیشه سیاسی-اجتماعی	۱۴۶
مبحث پنجم : مرجعیت و دموکراسی انجمنی	۱۴۷
بخش سوم_ مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه قانون اساسی	
فصل نخست: دیدگاه مورد پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره «ولایت فقیه»	۱۵۱
مبحث نخست: شرایط رهبر	۱۵۴
مبحث دوم: انتخاب ولی فقیه در قانون اساسی	۱۵۷
گفتار نخست: «نظریه انتصاب» یا «نظریه انتخاب»؟	۱۵۷
گفتار دوم: خوانش قانون اساسی از نظریه نصب «نظریه تلفیق»	۱۶۲
مبحث سوم: اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی	۱۶۲
گفتار نخست: اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی سال ۱۳۵۸	۱۶۳
گفتار دوم: اختیارات ولی فقیه بعد از بازنگری در قانون اساسی	۱۶۶

فصل دوم: ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی	۱۷۵
مبحث نخست: ولایت مطلقه فقیه و توقیت آن	۱۷۵
مبحث دوم: ولایت مطلقه فقیه و ساختار قانون اساسی	۱۷۸
فهرست منابع	۱۸۹
منابع فارسی	۱۸۹
مقالات فارسی	۱۹۱
منابع عربی	۱۹۱

مقدمه

۱- تبیین موضوع تحقیق

اختیارات ولی فقیه ریشه در مبانی آن دارد. مبانی اختیارات است که محدوده ی آن را مشخص می نماید. اختیارات ولی فقیه تابعی از دلایل حجیت و رویکرد اتخاذی نسبت به آن است. در باب اختیارات ولی فقیه دو نظریه کلی وجود دارد: نظریه انتصاب و انتخاب که از ترکیب آن دو نیز نظریه تلفیق به دست می آید. نظریه انتصاب نیز دو خوانش دارد که خوانش دوم آن، نظریه تلفیق نوع دوم است. وقتی مبانی اختیارات ولی فقیه، ریشه در نصب فقیه از جانب معصوم داشته باشد، ولایت فقیه همان ولایت رسول خدا قلمداد می گردد. در این تفسیر، اعمال حاکمیت سیاسی، در ید فقیه قرار دارد که او با ایجاد تشکیلات قائم به خودش آن را انجام می دهد. اما اگر فقیه صرفاً منصوب در ولایت بر فتوا و قضا باشد، ولایت مقیده به دست خواهد آمد. هم چنین، اگر مبنای ولایت در انتخاب مردم استوار گردد، اراده آن ها است که محدوده اختیارات را مشخص مینماید. از آن جایی که قانون اساسی، ساختار سیاسی و صلاحیت نهادها را مشخص مینماید، و از آن جهت که ولایت فقیه، ربط اساسی به حاکمیت پیدا میکند، بحث از ولایت فقیه در قانون اساسی بسیار مهم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ولایت مطلقه را صراحتاً پذیرفته است و اعمال قوای سه گانه کشور را تحت ولایت مطلقه مقرر کرده است. اطلاق ولایت به معنای نادیده گرفتن قانون اساسی نیست و فقیه باید طرق معهود قانون اساسی را بییماید. این پژوهش در پی پیوند بین فقه و حقوق اساسی است. اگر قانون اساسی برای این هدف به وجود آمده است که از فساد قدرت و استبداد سیاسی جلوگیری نماید، فقه نیز از این هدف دور نمیباشد و آن نیز در پی تنظیم مناسبات مردم و جامعه است. به نظر نگارنده، ولایت فقیه حتی با مبنای «انتصاب» نیز با تحدید اختیارات قابل جمع است و ولی فقیه میتواند از جهت «ولایت مطلقه» خویش، پیمانی با مردم تحت عنوان «قانون اساسی» منعقد نماید و طبق آیه ی شریفه «اوفوا بالعقود» موظف به التزام به آن باشد.

۲- ضرورت و اهداف تحقیق

پیوند بین فقه و حقوق یک ضرورت اساسی در ایران است. در کشوری که تشیع مذهب رسمی آن است و این مذهب، فقه بسیار غنی دارد، قانون نمیتواند بی توجه به آن نگاشته شود. اگر قانون اساسی در پی تنظیم قوای سیاسی در جهت حکمرانی مطلوب و با حداقل فساد است، فقه نیز میتواند با ظرفیت خویش و با استفاده از اصول فقه، مناسبات را به صورت عقلانی برپا نماید. هدف این تحقیق، بررسی اندیشه‌های تنی چند از فقهای برجسته معاصر است که در این مسائل صاحب نظر و تاثیرگذار بر جریان‌های کشور ساکن در آن بودند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مانند تمامی قوانین اساسی کشورها، متجلی فکر و اندیشه‌های بزرگان آن کشور و سیر تاریخی و عرف جامعه است. به نظر نگارنده، هیچ پژوهشی نباید در ایران پیرامون حقوق صورت گیرد مگر آنکه نگاهی به مبانی فقهی داشته باشد. اگر پژوهشی بدون این توجه انجام گیرد، در مبنایی مستحکم قرار ندارد. جهت بررسی قانون اساسی و بالخصوص اصل «ولایت فقیه» توجه به فقه، ضروری است. در این پژوهش، توجه به فقه به اندازه ضرورت و با توجه به شرایط تحقیق، در پی گرفته شده است.

۳- سؤال اصلی

هر تحقیقی یک سؤال اصلی و یک سری سؤالات فرعی دارد. این تحقیق نیز در همین مسیر قرار دارد.

سؤال اصلی

۱- مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقهای معاصرو قانون اساسی چیست؟

سؤالات فرعی

۱- منظور از فقهای معاصر چه کسانی هستند؟

۲- آیا نظریه انتصاب با تحدید اختیارات ولی فقیه قابل جمع است؟

۴- فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی

فرضیه اصلی در این تحقیق آن است که مبانی اختیارات ولی فقیه، ریشه در ادله اجتهادی چهار گانه و نظریه انتصاب، انتخاب و نظریه تلفیق دارد.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه اول آن است که قرآن و سنت و عقل دلالت به ولایت مطلقه فقیه داشته و این ولایت از طریق انتصاب توسط معصوم به فقیه اعطا می گردد و مقبولیت مردمی شرط اعمال ولایت اوست.

فرضیه دوم در این تحقیق آن است که قانون اساسی نظریه انتصاب را پذیرفته و به صراحت ولایت فقیه را مطلقه دانسته و اعمال حاکمیت قوا را تحت نظر او دانسته است.

۵- پیشینه تحقیق

در مورد اختیارات ولی فقیه تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. جدا از کتب ارزشمند فقهای معاصر از جمله «کتاب البیع» مرحوم امام خمینی و «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه» نوشته آیت الله منتظری، «ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت» نوشته آیت الله جوادی آملی و «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه» نوشته آیت الله مصباح یزدی، این پژوهش ها نیز صورت گرفته است:

رساله دکتری «حدود اختیارات ولی فقیه» نگارش علی فقیهی (۱۳۹۰)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

نویسنده در این پژوهش صرفاً از لحاظ فقهی به بررسی اختیارات فقیه در امور حسبیه و امور عامه پرداخته و نظرات فقهای بزرگ را در این مورد بررسی قرار داده است و اشاره ای به اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی و مبنای آن نکرده است.

پایان نامه «حدود اختیارات ولی فقیه»، نوشته محمد رضوانی (۱۳۸۴)، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

این پژوهش نیز حدود اختیارات ولی فقیه را در امور حسبیه بررسی کرده، نظرات فقها را آورده و سپس به حکومت اسلامی و ضرورت آن پرداخته و نظرات را پیرامون این موضوع مورد توجه قرار داده است. این پژوهش، به ادله ولایت فقیه رجوع کرده و ولایت مطلقه را در آن ها جستجو نموده، ولی اشاره ای به قانون اساسی ننموده است.

پایان نامه «انتخاب یا انتصاب در ولایت فقیه» نگارش عبدالحسین بهبانی پور و رضا حسینی (۱۳۸۴) در دانشگاه جامعه المصطفی

نویسنده در این نوشته، بیان میکند جهت کیفیت انعقاد ولایت سه نظریه کلی وجود دارد: انتصاب ولی فقیه، انتخاب ولی فقیه و حد وسط بین انتخاب و انتصاب که عبارت است از ایجاد حق حاکمیت به سبب انتخاب مردم در قالب توصیفات شارع. به زعم نویسنده این پایان نامه، نظریه انتصاب ولی فقیه، مبتنی بر ادله عقلی و نقلی فراوان است و محلی برای طرح نظریه ای غیر از آن باقی نمی ماند. این پژوهش نیز، توجهی به قانون اساسی نمیکند.

پایان نامه «اختیارات ولی فقیه در حکومت اسلامی» نگارش محمد حسن جوادی و نرگس خوانساری برجله (۱۳۹۰) در دانشگاه ارومیه

این پژوهش ضمن اشاره به اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی اشاره ای به مبانی اختیارات آن نکرده است و بحث خود را متمرکز بر نظریه انتصاب و انتخاب و تقویت اولی و رد دومی نموده است و با استفاده از حقوق تطبیقی به اختیارات ولی فقیه و روسای دیگر کشور ها توجه کرده است.

مقاله «انتصاب یا انتخاب ولی فقیه» تالیف محمد جواد ارسطا (۱۳۸۷)

نویسنده در این مقاله، ضمن نقد نظریه انتخاب، به تقویت نظریه انتصاب می پردازد و تنها راه قرارگرفتن فقیه در جایگاه ولایت فقیه را، نصب از جانب معصوم دانسته است.

اما تحقیق موجود دارای تفاوت هایی با پژوهش های بالا است. اول آنکه بحث اختیارات ولی فقیه هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ قانونی مطرح شده است؛ یعنی علاوه بر فقه، به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه گشته است. ثانيا توجه اصلی این تحقیق، به مبانی و دلیل اختیارات ولی فقیه و دیدگاههای متفاوت پیرامون آن است. این تحقیق به اندیشه های فقیهانی چون مرحوم

آیت الله خوئی و آیت الله سیستانی نیز که اعتقادی به ولایت عامه فقیه نیز ندارند پرداخته است. هم چنین اندیشه آیت الله منتظری به صورت تقریباً جامع پیرامون این موضوع مطرح شده است. علاوه بر این موارد، به پیوند فقه و حقوق و ظرفیت فقه در تبیین قانون اساسی اشاره شده است.

۶- قلمرو تحقیق

این تحقیق با دو رویکرد فقهی و حقوقی به تبیین مبانی اختیارات ولی فقیه پرداخته است. فقه مورد نظر در این پژوهش، فقه امامیه است و حقوق نیز صرفاً حقوق داخلی می باشد که در قانون اساسی و دیگر قوانین که آن ها نیز از فقه امامیه ناشی شده اند، بیان گشته اند. مبانی اختیارات ولی فقیه که ریشه در فقه دارد به قانون اساسی نیز امتداد یافته و مطرح می شود. ولایت فقیه، در اصل تعلق به فقه دارد و قانون اساسی که ریشه در باورها و فرهنگ و اندیشه جامعه دارد باید متبلور این امر بوده و آن را منسجم بیان کند. در مورد دیدگاه قانون اساسی پیرامون مبانی اختیارات، به رویکرد این قانون در مورد نظرات «انتصاب و انتخاب و تلفیق» پرداخته شده و ولایت مطلقه فقیه مطرح شده در قانون اساسی با توجه به شرایط عادی و خاص مورد بررسی قرار گرفته است.

۷- روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای و نرم افزارهای فقهی انجام شده است. سعی بر آن بوده است که نظرات به خوبی تبیین و تحلیل و توصیف درست و دقیقی از آن ها ارائه داده شود.

۸- ساختار تحقیق

این تحقیق از سه بخش و هر بخش از چند فصل و هر فصل از چند مبحث تشکیل شده است: بخش اول به مفاهیم و کلیات می پردازد. معنای لغوی و اصطلاحی ولایت فقیه، منظور از حدود و مبنای اختیارات ولی فقیه در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم، به بررسی نظرات و دیدگاه های فقهای معاصر پرداخته است. در این بخش به مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه آیت الله بروجردی، امام خمینی، آیت الله منتظری، آیت الله خوئی و آیت

الله سیستمی اشاره میشود. سعی بر آن بوده است که دیدگاه این فقهای بزرگ از لابه لای کتب ارزشمند آن ها بیرون کشیده شود و به صورت گویا برای خواننده تبیین گردد.

بخش سوم به مبانی اختیارات ولی فقیه از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میپردازد. در این بخش، ضمن تبیین رویکرد قانون اساسی نسبت به نظریه «انتصاب» و «انتخاب» و «تلفیق» به بررسی این مسئله پرداخته شده است که آیا نظریه «نصب» با تحدید اختیارات ولی فقیه و توقیت ولایت او قابل جمع میباشد؟ در پاسخ به این سوال، با استمداد از فقه و اصول، سعی بر آن بوده است که با تفکیک فروض مسئله، جواب قانع کننده ای داده شود.

بخش نخست:

مفاهیم و کلیات

فصل نخست: مفاهیم

این فصل به بررسی مفاهیم مبانی، ولایت اعم از در لغت و اصطلاح، اقسام ولایت و اصل عدم ولایت میپردازد. برای فهم هر مطلبی، نخست باید مفاهیم آن به خوبی تبیین شده تا از خلط مسائل و مباحث جلوگیری شود.

مبحث نخست: ولایت

گفتار نخست: ولایت در لغت

راغب می نویسد: «ولاء و توالی یعنی این که دو یا چند چیز آنچنان در کنار هم قرار گیرند که چیزی مغایر آن با آنان در میانشان نباشد. گاه ولاء و توالی به استعاره برای قرب مکانی، نسبی، دینی، دوستی، یاری و اعتقادی به کار می رود و گاه ولایت به معنای تصدی حکومت است. ولایت با کسره به معنای نصرت و ولایت با فتحه به معنای متولی شدن امور است، چنان که گفته شده ولایت و ولایت (با کسره و فتحه) همانند دلالت و دلالت (با کسره و فتحه) هستند و حقیقت آن متولی شدن بر امور است.»^۱ هم چنین ابن اثیر در النهایه می گوید: «یکی از نام های خداوند ولی به معنای یاور است و گفته می شود متولی امور جهان و مخلوقات: یعنی برپا کننده ی آنان و یکی دیگر از نام های خداوند والی است، یعنی مالک و دارنده و تصرف کننده در همه چیز و گویی لفظ ولایت، حاکی از تدبیر و قدرت و عمل است و کسی که این اوصاف را نداشته باشد، به او والی نمی گویند. و حدیث «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست» و کلام عمر که به علی گفت: «مولای هر مؤمن شدی» به همین معناست.»^۲ و ابن منظور می نگارد: «ولی در مثل ولی یتیم، یعنی کسی که به امور او رسیدگی می کند، و ولی زن، یعنی کسی که حق دارد را به عقد دیگری در آورد و اجازه نمی دهد که زن خودش را به عقد دیگری درآورد.»^۳ علامه طباطبایی نیز می گویند: «اصل در معنای ولایت، بر داشته شدن واسطه ای است که بین دو چیز حایل شده، به گونه ای که بین آن دو، چیزی غیر از آن ها باقی نماند.»^۴ با تدقیق در معنای مختلف ولایت و ولی، به نظر می رسد که می توان، این معانی را به معنای واحدی ارجاع داد، همان

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۷۰

^۲ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، جلد پنجم، ص ۲۲۷

^۳ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد پانزدهم، ص ۴۰۷

^۴ لکن الاصل فی معناها (ای الولایه) ارتفاع الواسطه الحائله بین الشئین بحیث لا یکون بینهما ما لیس منهما، طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد پانزدهم، ص ۸۸

معنایی که راغب در مفردات گفته است؛ یعنی ارتباط و اتحاد دو چیز به گونه ای که هیچ مانع، فاصله و جدایی در بینشان نباشد و این اتحاد نوعی تصرف را به همراه داشته باشد. بین ولی یتیم و یتیم و بین ولی زن و زن، مانع و فاصله ای وجود ندارد و آن دو آن قدر نزدیک به هم اند که یکی امور دیگری را به عهده می گیرد. محبت نیز موانع ارتباط بین دو فرد را از بین می برد و عاشق را مجذوب و شیفته محبوب می کند. لذا می توان از این سخنان این برداشت را نمود که «در مفهوم کلمه ی ولایت تصرف وجود دارد، از این رو تفسیر کردن ولایت به محبت، چنان که در کلمات بعضی از عالمان مشاهده می شود، قابل قبول نیست. بنابراین لفظ ولایت در جایی که به کار می رود، تصدی کاری از کارهای غیر را می رساند و در مقابل آن عداوت، به معنای تعدی و تجاوز به غیر قرار می گیرد.»^۱ اگر به کلام خداوند در قرآن کریم و به آیاتی که از اصطلاح ولی استفاده شده است دقت کنیم معنای تصرف را می یابیم. به عنوان مثال آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه بیان می کند:

مرد و زن با ایمان یکدیگرند، که به کار های پسندیده وا می دارند، و از کار های نا پسند باز می دارند.^۲

و هم چنین آیه ۲۵۷ سوره بقره می گوید: خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها به سوی نور به در می برد. و کسانی که کفر ورزیده اند، ولی آنان همان طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی به در می برند.^۳

در این دو آیه پس از ذکر کلمه «ولایت» به نوعی از تصرف عملی ناشی از آن، مانند امر و نهی و کار مناسب اشاره می کند، بنابراین مفهوم تصرف، در مفهوم ولایت اخذ شده است.

گفتار دوم: ولایت در اصطلاح

گفته اند: «ولایت در اصطلاح به معنای سلطه بر شخص یا مال و یا هر دو است، اعم از این که چنین سلطه ای عقلی باشد یا شرعی و اصلی باشد یا عرضی و فرعی.»^۴ هم چنین بعضی از فقها به جهت آنکه

^۱ منتظری، حسینعلی، مبانی مردم سالاری در اسلام، ص ۶۹

^۲ المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر

^۳ الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من الظلمات الی النور

^۴ اصطلاحاً هی سلطنه علی الغیر عقلیه أو شرعیه نفسا کان أو مالا أو کلیهما بالاصل أو بالعارض، بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقیه، جلد

سوم، ص ۲۱۰

معنای لغوی «ولایت» را قیام به امر شیء و تسلط بر آن دانسته اند، معتقد هستند این کلمه دارای معنای اصطلاحی خاصی نیست؛ چرا که در کلام شرع و فقها نیز به همان معنای لغوی؛ یعنی تسلط بر شخص یا شیء به کار رفته است.^۱

بعضی دیگر گفته اند: «ولایت یعنی (اختیار اداره امور یک یا چند نفر توسط شخص دیگر، به طوری که مصالح آنان را تأمین کند.»^۲ این تعریف را به تعبیر برخی از فقها می توان به «سلطه نفع رسانی» معنا کرد.^۳ این تعریف دارای سه عنصر است:

یک) اختیار که به معنای قدرت است. بنابراین ولایت از جنس قدرت می باشد.

دو) ولایت دو طرف دارد، یکی دارنده ولایت (ولی) و دیگری شخص یا اشخاصی که تحت ولایت قرار میگیرند (مولی علیه/مولی علیهم). لذا ولایت مفهومی متضایف یعنی طرفینی و متقابل است.

سه) در ولایت الزاما باید منافع و مصالح مولی علیه یا مولی علیهم تأمین شود.^۴

طبق تعریف بالا، کسی که به عنوان «ولی» متصدی امری می گردد، قدرتی را که به او اعطا می شود در راه منفعت کسانی که تحت ولایت او قرار دارند، اعمال می کند. «هرچند باید به این نکته توجه کرد که ولایت در حقوق خصوصی که در مورد غیب و قصر می باشد وجه غالب مسئولیت آن نسبت به مولی علیه است. لکن در حوزه حقوق عمومی وجه غالب در اطلاق ولایت همان مسئولیتی است که نسبت به اختیارات و اقتدارات فقیه، وجه متمایز کننده به شمار می آید.»^۵

اگر بخواهیم تعریف بالا را در عبارتی دیگر بیان کرده تا منظور از ولایت فقیه بهتر مشخص گردد، تعریفی ارائه میگردد که متناسب با عملکرد دین و شریعت باشد. دین و شریعت به دنبال پرورش انسان به سوی کمال است و امامان معصوم در این راستا سرپرستی ما را برعهده گرفته اند. این سرپرستی ایصال الی المطلوب است. در این مسیر، ولایت یعنی سرپرستی تکامل در جهت قرب و هماهنگی با

^۱مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، ص ۵۷۲

^۲آرسطا، محمد جواد، نگاهی به حقوق عمومی در اسلام، ص ۱۳۵

^۳موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ترجمه جعفر الهادی، ص ۹۱

^۴آرسطا، محمد جواد، نگاهی به حقوق عمومی در اسلام، ص ۱۳۵ و ۱۳۶

^۵عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، جلد سوم، ص ۱۰۶

ربوبیت و مسئله مجرا شدن برای جریان ربوبیت الهی در سرپرستی اجتماعی.^۱ هر چند ولایت ائمه معصومین (ع) دارای مراتبی از جمله ولایت تکوینی است، ولی، فقیه نیز می تواند با علم به معارف و علوم آن ها گوشه ای از این سرپرستی در مسیر تکامل را به عهده گیرد. به نظر، این تعریف می تواند به خوبی رویکرد کلامی ولایت فقیه را نیز بیان کند؛ چرا که تعاریف قبل، بیشتر متأثر از فضای فقه بودند ولی این تعریف مبنای کلامی را نیز با خود به همراه دارد.

در هر صورت ولایت در اصطلاح، حقی ناشی از حکم یا حکمی ناشی از حق است، زیرا اثر ولایت، وجوب اطاعت از فقیه است که حقی را برای فقیه نسبت به مردم ایجاد می کند یا حق لازمی است که مستلزم حکم الزامی است.^۲

گفتار سوم: اقسام ولایت

ولایت را از جنبه های مختلف می توان تقسیم کرد؛ مانند تقسیم ولایت به تکوینی حقیقی و انشایی اعتباری، ولایت به معنای اخص و ولایت به معنای اعم، ولایت اجباری و ولایت اختیاری، ولایت عامه و ولایت خاصه، ولایت مطلقه و ولایت مقیده و...

هم چنین ولایت از جهت دارنده آن؛ یعنی ولی نیز اقسامی دارد؛ مانند ولایت خداوند، ملائکه، پیامبر و ائمه علیهم السلام، سپس فقیه، پدر، جد، مادر، متولی وقف و...^۳

ولایت دامنه وسیعی دارد. ولایت پدر بر فرزند، ولایت حاکم شرع بر امور حسبیه، ولایت قاضی بر طرفین دعوا، ولایت فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی و... از جمله موارد ولایت است.

گفتار چهارم: اصل عدم ولایت

باید توجه کرد که قاعده اولیه در باب ولایت، اصل عدم ولایت است. این قاعده مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی است. «الاصل عدم ثبوت ولایة أحد علی أحد»^۴ یعنی عقل آدمی حکم می کند که احدی

^۱ میرباقری، سید محمد مهدی، حکمت و حکومت، جلد دوم، ص ۳۱۰

^۲ عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، بخش عمومی، ص ۱۲۶

^۳ بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقیه، جلد سوم، ص ۲۱۱ و ۲۱۳

^۴ نراقی، مولی احمد ابن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، ص ۵۲۹